



مدیرعامل ستاد دیه کشور اعلام کرد

کمک مقام معظم رهبری به زندانیان جرائم غیرعمد

گروه سیاست: مدیرعامل ستاد دیه کشور از کمک ۴۵۰ میلیون تومانی مقام معظم رهبری به زندانیان جرائم غیرعمد خبر داد. اسدالله جولایی عنوان کرد: «به دلیل پیشگیری از شیوع ویروس کرونا در رمضان امسال اگرچه توفیق برپایی...

صفحه ۲

پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ • ۶ رمضان ۱۴۴۱ • ۳۰ آوریل ۲۰۲۰



رقابت نظامی های سابق برای پاستور

۱۴۰۰، بازگشت فرمانده با نیروهایش؟

صفحه ۳



عکس: Gettyimages

پشت پرده سناریوهای ترامپ کیست؟

کمک به شرکت های آقای رئیس جمهور ممنوع

صفحه های ۵ و ۷

حسن روحانی در جلسه هیئت دولت:

اینجا خلیج فارس است نه خلیج نیویورک و واشنگتن

گروه سیاست: رئیس جمهور روز گذشته در جلسه هیئت دولت با اشاره به مشکلات کرونا برای سلامت و شغل مردم، به ویژه کارگران و درعین حال تلاش کارگران برای رفع نیازمندی های کشور گفت: «نیازمندی های مردم به وفور...

صفحه ۲

سال هفدهم • شماره ۳۷۰۸ • ۱۶ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

روز کارگر و معلم زیر سایه کرونا

صالح نیک بخت - حقوق دان



امسال روز اول ماه می، روز جهانی کارگر، با ۱۲ اردیبهشت و روز معلم مصادف شده است. همزمانی این دو روز در شرایطی است که کارگران و معلمان از جهات بسیاری همدرد به شمار می روند. سه ماه پس از حمله ویرانگر ویروس کووید ۱۹ و عالم گیر شدن این حمله و تلفات آن در ماه های گذشته، هم مدارس تعطیل شده و هم فعالیت مراکز تولیدی و خدماتی در سراسر جهان و کشور ما متوقف شده یا به صورت نیمه تعطیل درآمده است. گفته می شود بیش از ۲۰۰ میلیون کارگر در جهان بی کار شده اند. در بسیاری کشورها که دولت ها حامی سرمایه داران هستند، تمام تلاش ها برای این است که صاحبان سرمایه ضرر نکنند و کمتر به فکر زندگی کارگران هستند. شمار کارگران بی کار شده در ایران نیز اعداد بالایی را نشان می دهد؛ اگرچه برخی کارگران بی کار شده در ایران از حقوق دوران بی کاری استفاده می کنند ولی با تقریب حد اکثری، این گروه ۲۰ درصد از کارگران بی کار شده بوده اند که از بیمه بی کاری برخوردارند. اکثر قریب به اتفاق کارگران بی کار شده در کشور ما به کارهایی مشغول بودند که بهدرت مشمول استفاده از مزایای قانون کار و بیمه بی کاری هستند و از این حق محروم اند. افزون بر این هیچ چتر حمایتی ای نیز بر سر زندگی این کارگران سایه نمی اندازد. از آن سو حقوق و مزایای دریافتی کارگران در شرایط معمول هم به حدی نیست که سبب معیشت کارگران را پر کند یا به آن اندک رونقی دهد؛ چه رسد به اینکه کارگران بتوانند بخشی از مزد اندک خود را برای روزیایی چون دوران کرونا پس انداز کنند. زندگی اقتصادی معلمان نیز که آموزش فرزندان و نوباوگان این زادبوم را بر عهده دارند، بهتر از وضع کارگران نیست. کشتی اقتصاد بیمار ایران که در کرباب تحریم اقتصادی و کساد بازار تولید و غلبه ماندن کشور از رشد و توسعه متوازن گیر کرده است، هرسال معلمان و کارگران را به عنوان زحمتکش جامعه، زیر بار مشکلات زندگی قرار داده است. همه گیری ویروس کرونا و گسترش آن در کشور فقط مراکز تولیدی و خدماتی را هدف قرار نداد بلکه موجب تعطیلی تمام مدارس شده و همین امر موجب بی کاری بخش عمده ای از معلمان و حق التدریسی مدارس دولتی و معلمان مدارس به اصطلاح غیرتفاعلی و آموزشگاه های آزاد و مؤسسات آموزش زبان و... شده است. این گروه از معلمان نیز مانند کارگران بخش های مختلف تولیدی، کشاورزی و خدماتی از بیمه بی کاری و همه مزایای کار محروم هستند. افزون بر این، چون تعطیلات مدارس به پایان سال تحصیلی متصل می شود، این گروه از معلمان با هفت ماه محرومیت از دریافت حقوق و مزایا مواجه خواهند بود. درحالی که اگر طبق اعلام وزارت آموزش و پرورش، شهریه های پرداختی این گروه از مدارس مسترد نمی شود، باید حقوق این گروه از معلمان در ماه های اسفند تا خرداد نیز پرداخت شود. وانگهی با وجود اینکه مسائل اقتصادی بیشترین مباحث رسانه ها را به خود اختصاص می دهد، اشخاص زیادی از سیاستمداران، عالمان و کارشناسان اقتصاد تا کاسبان و صاحبان مشاغل بهدرت درباره حقوق، مزد و مزایا و مسائل کارگران و دیگر اقشار زحمتکش کشور سخنی به میان می آورند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

رستم در بارگاه کی کاووس

پهلوانانش را به اسارت گرفتند و با آنان به خواری رفتار کردند. کاووس فرومانده در کار خویش کسی را با این پیام به زابلستان فرستاد که: «اکنون چشم جهان بین کاووس تار شده و تاج و تختش به خاک افتاده. اگر به یاری او نشتابی، همه به زاری در بند خواهیم مرد.» فرستاده کاووس پیام بگزارد و زال از رستم خواست تا به یاری ایرانیان بشتابد و رستم پدر را پاسخ داد: «هرچه فرمان دهی، همان کنم. جان خویش را فدای کاووس کنم و طلسم جادوان را بشکنم و از ایرانیان هرکه زنده باشد، به ایران بازگردانم». رستم شتابان به سوی مازندران رفت و راه دو روزه را یک روزه پیمود و شب را نیز روز پنداشت و چون گرسنگی غلبه کرد، گورخری بگرفته، کباب کرد و بخورد و نخست دشمنی که به او حمله آورد، خواب بود. به ناگزیر در بیشه زاری بخت که زیستگاه شیر بود و چون شیر به شکار شیانہ رفت، رخس را بدید و او را طعمه ای مطلوب خواند، ولی رخس با ضربه دو دست، شیر را مغلوب گرداند و صبحگاهان چون رستم بیدار شد و پیکر بی جان شیر بدید، رخس را نکوهید که اگر کشته می شدی، چه کسی این گرز گران را تا مازندران می کشید؟ آنگاه بر پشت رخس زین گذاشت و راه مازندران را در پیش گرفت. زمانی دراز بناخت تا تشنگی غلبه کرد اما در آن سبز جای آبی نیافت. بی ثمر جست و جو کرد و زبان چاک چاک شده اش را در کام خویش حفظ کرد و سرانجام از پا افتاد و بر زمین فروغلیتد و خود را به یزدان پاک سپرد و آماده کوچیدن به سرای دیگر شد.

ادامه در صفحه ۲

سخن های دیگر، زال باب گفت و گو را کشود و درباره آنچه او را بدانجا کشانده بود، گفت: «نیاکان تو هرگز اندیشه مازندران را به سر راه ندانند که مازندران خانه دیوان افسونگر است و آنجا را نه به شمشیر، نه به کنج و نه به دانش می توان گرفت». کاووس در پاسخ گفت: «همواره به رأی و اندیشه تو نیازمند ولی من از نیاکان خویش برتر هستم. تو در اینجا با رستم بمان و ایران را یاسیان باش، چه می دانم که جهاندار آفریننده یار من است». زال ناامید و دل شکسته به سیستان بازگشت و کاووس، ایران را به میلاد سپرد و یادآور شد: «در غیبت من اگر دشمنی ایران را تهدید کرد، تیغ کینه برکش و از زال و رستم نیز یاری بخواه». سپس سیاه را به جنبش آورد، به جایی رفت که خورشید چهره پنهان می کند که آنجا زیستگاه دیوان دژخیم بود و پیل را نیز به آنجا، زهره رفتن نبود. کاووس به گیو فرمان داد هزار شمشیرن با گرزهای گران برگردد و هر آن کس را که دید از پیر و جوان از پای درآورد و هر آبادی را بسوزاند و چون ایرانیان به غارت دست یازیدند، فرمانده دیوان که سنجہ نام داشت، پیکری را نزد دیو سپید فرستاد با این پیام که ایرانیان برای ویرانی آمده اند و دیو سپید امید داد که همه غارتگران را به جادویی نابود کند و چون شب فرا رسید، در آسمان اردوگاه سپاه ایران آبری چون قیر ظاهر شد و جهان چون روی زنگی سیاه شد و صبح روز بعد چون سپاه ایران چشم کشود، دو بهره از ایشان توان دیدن از دست داده بودند و کاووس نیز دو دیده جهان بینش خاموشی گرفته بود. چون سپاه ایران بی چشم شد، دیوان در میان شادمان شد و از زنج راه پرسیدش و پس از بسیار

بر خویش می بیند که آن را به شوق پذیرا شوند. اما به واقع هیچ یک از آنان خواستار جنگ با دیوان نبود. آن گاه دور از چشم کاووس، توس و گودرز و کشواد و گیو و خرداد برزین و گرگین و رهام انجمن کردند و گفتند امید اینکه شهریار این آرزو را به هنگام نوشیدن بر زبان آورده باشد و اگر به راستی اندیشه مازندران را در سر ببرواند، همه ما و ایران را به تباهی خواهد کشاند. حال آنکه جمشید و ضحاک و قباد هرگز از مازندران یاد نکردند و اگر قرار بود شهریاری عزم مازندران کند، منوچهر باید چنین می کرد. سرانجام پس از مشورت بسیار، توس پیشنهاد کرد کسی را شتابان در پی زال فرستند و از او بخواهند هرچه زودتر خود را به کاووس رساند، به اندرز گفتن که نباید دیوها را به خشم و خروش آورد شاید که زال او را از این آرزوی محال بازدارد. و چون فرستاده ایشان به زال رسید، از اهرمن اندیشه ای سخن گفت که ایران و ایرانیان را به هراس افکنده و یادآور شد: «اگر درنگی کنی به خاراندن سر، کاووس همه رنج تو و آن رستم نوجوان سیرناخوره شیر را بر باد خواهد داد». زال چون این سخن بشنید، چهره اش به زردی گرایید که این کاووس خودکامه سرد و گرم روزگار نچشیده، چه آرزوهای محالی را در سر می پروراند و شتابان به همراه فرستاده توس به ایران آمد.

توس را از آمدن زال آگاه کردند. به پیشواز او شتافت و از دل نگرانی های خود و یارانش با او سخن گفت و زال در پیشانی پهلوانان به دیدار کاووس رفت، او را بسیار ستود و کاووس نیز از دیدار زال شادمان شد و از زنج راه پرسیدش و پس از بسیار



مهدی افشار پژوهشگر

سیزدهمین یادداشت چهره ها در شاهنامه به فرازی از زندگی رستم اختصاص دارد. کی قباد پس از دیرینه سالی شهریاری بر سرزمین ایران در سایه سار درایت و آرامش جویی خود و در پرتو قدرت و صولت رستم، در آرامش زیست و اورنگ شهریاری را به فرزند خویش، کاووس، سپرد و بدین گونه مردم ایران پس از دیرینه سالی طعم رفاه و امنیت را چشیدند. چون کاووس جوان و کم تجربه بر گاه پدر تکیه زد، بر آن بود که شیوه ملک داری او را دنبال کند اما شور جوانی این اندیشه را به سمت و سویی دیگر کشاند. زمانی نگذشت که روزی خیاگری به درگاه کاووس آمد و با جنگ خود ترانه ای زیبا با آوایی دلنشین در وصف مازندران سرود:

کاووس چون این ترانه بشنید، آرزویی در دلش پای گرفت که مازندران را در حوزه قلمرو خود بکشاند و چون این آرزو را با سرداران خویش در میان گذاشت، آنان اگرچه به دل خشود نبودند، به زبان گفتند هر آنچه شهریار آرزو کند و پسند او باشد،



سید مصطفی هاشمی طباطبائی

نفی منظومه ها در ایران

مایل بودم به جای منظومه همان کلمه سامانه یا سیستم را به کار ببرم که در فارسی برخی نیز به آن نظام می گویند، اما به نظر می رسد کلمه منظومه ترجمه بهتری برای این نوشته باشد. در این مختصر بر آنم که بگویم در بسیاری از موارد وقتی مطلبی را می خواهیم مطرح یا بیان کنیم و به آن ببیندیشیم فراموش می کنیم که جوانب آن را بسنجیم و به قول اصفهانی ها «گز نکرده پاره می کنیم». از قبل این طرز اندیشیدن ضربه هایی می خوریم که اصلاح نتایج آن گاه ممکن و مقدور نیست. اگر افراد عامی و عادی که فاقد تحصیلات لازم و سابقه اجرایی و کار گروهی هستند، چنین عمل کنند شاید بر آنها حرجی نباشد اما انتظار می رود افرادی که در مسئولیت های مختلف و در سطح بالای تصمیم گیری کشور قرار دارند، اندکی به ابعاد مسائل مطرحه در منظومه هایی که هستند، بیندیشند. رئیس محترم دیوان محاسبات در گزارش به مجلس با طرح موضوع مصارف ارزی در کشور، به ظاهر حسب اطلاعات آژماره سال ۹۸ گفتند که ۸۰۴ میلیارد دلار ارز به کشور بازنگشته است و البته در توضیحات بعدی خود و سپس از اعتراض رئیس جمهور و توضیحات رئیس بانک مرکزی گفتند که حتی یک دلار هم مفقود نشده است. از طرف دیگر، رئیس جمهور هم فرمودند گزارش رئیس دیوان محاسبات صد درصد غلط است، البته نگفتند که صد درصد یعنی چه؟

ادامه در صفحه ۴

قابل توجه هنرمندان، نویسندگان، روزنامه نگاران مدیران و مخاطبان فرهیخته روزنامه شرق

سررسید «فرهنگ، هنر و رسانه» ویژه سال ۱۳۹۹ روزنامه شرق منتشر شد. این سررسید، ویژگی های منحصر به فردی نسبت به سرسیدهای معمول دارد و اطلاعات آن در تمام سال، مورد استفاده اهالی فرهنگ و هنر و روزنامه نگاران قرار خواهد گرفت. بسیاری از مناسبت های این سررسید برای نخستین بار است که در قالب یک سررسید منتشر می شود، همچنین ۵۰ چهره تأثیرگذار قرن نیز با انتشار تصویرشان معرفی شده اند.

برای تهیه سررسید با شماره های ۰۹۱۲۳۰۲۵۷۱۹-۸۸۹۰۳۵۴۸ تماس بگیرید

